

# امریکا

## و قتل های زنجیره ای

### در سراسر جهان

نوشته عسگر داوودی

آمریکا بخشی از اسناد مربوط به سال های ۱۹۵۰-۱۹۷۰ سازمان جاسوسی خود «سی. آی. ا» را بنا به مصالح سیاسی معینی منتشر کرده است. این بخش از اسناد منتشره تحت عنوان «جواهرات خانوادگی» نام داشته است. در کل اسناد منتشر شده مربوط می شود به:

- برنامه توطئه ترور «فیدل کاسترو» رهبر کوبا.
- ترور «رافائلو تروخیلو» دیکتاتور سابق جمهوری دومینکن.
- پرونده تعقیب و مراقبت از «جین فاندا» (هنرپیشه هالیوود) و دیگر فعالان ضد جنگ ویتنام از جمله «جان لینون و همسرش».
- توطئه کودتا و کشتن «پاتریس لومومبا» نخست وزیر قانونی کنگو.
- پرونده برنامه تحقیقاتی سیا جهت کشف و تولید «دارو های ویژه روان گردان» علیه مبارزان سیاسی بویژه کمونیست ها.
- موضوع رسوائی و اترگیت.

...و

بموجب این اسناد و در رابطه با توطئه قتل «کاسترو» سازمان سیا در چندین نوبت دست بدامن رهبران مافیا در آمریکا می شود. اسناد منتشره گواهی می دهد که سازمان سیا با مراجعه به دو تن از رهبران مافیا مستقر در نیویورک با اسامی «مومو سالوادوره جیان سا» معروف به «سام طلا» (جانشین آلکاپون گانگستر معروف آمریکا) و «ماکسیمولیدر» یکی دیگر از رهبران مافیا، خواستار ترور «فیدل کاسترو» شده است. ( جالب اینکه این دو رهبر مافیا هم زمان تحت تعقیب پلیس فدرال آمریکا بوده اند) از طریق افراد مذکور کانگستر دیگری با نام «جانی روزه لی» مستقر در هتل هیلتون نیویورک با دریافت مبلغ ۱۵۰۰۰۰ دلار جهت هماهنگی برای قتل استخدام می شود، او نیز به سراغ فردی با نام «جوآن ورتا» می رود که با یکی از وزرای دولت «کاسترو» ارتباط های نزدیکی داشته است. با توجه به بحران مالی فرد نام برده و امکان تردد به مناطق نزدیک به «کاسترو» او طعمه مناسبی برای اهداف «سیا» شناخته می شود. به «جوآن ورتا» گفته شده بود که موضوع ترور به یک انتقام گیری ارتباط دارد، چون تعدادی از سرمایه داران خارجی در کوبا توسط «کاسترو» دچار خسارت مالی شده اند. این برنامه انتقام گیری را ترتیب داده اند و رژیم آمریکا از این موضوع هیچگونه اطلاعی ندارد و در آینده نیز باید بی خبر نگاه داشته شود. به فرد مذکور ۶ قرض سمی می شود. برنامه ترور پس از چندین انفجار جهت ترور «کاسترو» به دلیل پشیمانی ناگهان فرد برگزیده متوقف می شود. پس از این واقعه «جانی روزه لی» توسط سیا دستگیر و پس از بازجویی به منظور پنهان ماندن اسرار توطئه ترور، توسط عوامل سیا کشته می شود. از طرف سیا برنامه های متعدد دیگری نیز جهت ترور «کاسترو» طراحی شده بوده که همه آن ها نا موفق از کار در می آید. از جمله برنامه های ترور پیش بینی انفجار سیگار برگ «کاسترو» بوده است. همچنین با توجه به حضور او در مجامع کاملا عمومی کوشش شده است تا با نزدیک شدن یکی از دوستان قدیمی اش به او برنامه ترور انجام شود و نیز توطئه انفجار یک صدف دریائی در محلی که معمولا «کاسترو» جهت صید صدف دریائی در آنجا مستقر می شده است.

مسموم کردن کاسترو توسط دوست دختر آلمانی اش «مارتینا لورنس» که با توجه به رابطه عاطفی «مارتینا لورنس» به «کاسترو» ایجاد این مسمومیت از طریق قرص های سمی نیز بی نتیجه می ماند. البته «مارتینا لورنس» بعد ها پس از رسوائی همکاری با سازمان «سیا» و دوری از «کاسترو» در ارتباط نزدیک بایکی از عوامل «سیا» با نام «فرانک اشتورکیس» قرار گرفت. پس از ترور «جان اف. کندی» در شهر دالاس آمریکا در دادگاهی «مارتینا لورنس» اعلام کرد که هم خانه اش یعنی «فرانک اشتورکیس» عضو «سیا» بوده و در شب قبل از ترور «کندی» او و «فرانک اشتورکیس» به شهر دالاس اسلحه وارد کرده بودند. «مارتینا لورنس» شهادت داد که «فرانک اشتورکیس» و رئیسش «هوارد هونت» (عضوسیا) در قتل «جان اف کندی» رئیس جمهور وقت آمریکا دست داشته اند. «فرانک اشتورکیس» در سال ۲۰۰۷ جانسپرد. پسر او چند روز قبل از مرگ پدرش در مصاحبه ای گفت که پدرش در رابطه درون خانوادگی گفته است که «لیندن جانسون» (رئیس جمهور جانشین کندی) نیز در ترور «کندی» دست داشته است. (در رابطه با «مارتین لورنس» و برنامه ترور «کاسترو» به مصاحبه او با نشریه آلمانی فوکوس که در شماره ۹۸ راه توده منتشر شده مراجعه کنید.) بنا به اسناد منتشره «سیا» روزنامه نگاران و دیگر فعالان رسانه های همگانی و نیز فعالان ضد جنگ ویتنام از جمله افرادی بودند که تحت تعقیب و مراقبت عوامل «سیا» قرار داشتند. محتویات نامه ها و بسته های پستی آنها به طور غیر قانونی باز و مورد بازرسی قرار می گرفت. «جین فوندا» از جمله هنرپیشه های زن هالیوود بود که با توجه به فعالیت های او در جنبش ضد جنگ و حضورش در رهانوی و در میان «ویت کنگ ها» مرتبا تحت تعقب و مراقبت بوده است، همچنین «جان لینون» و همسرش «بیوگو اونو» از جمله رهبران جنبش ضد جنگ ویتنام و با توجه به حمایت های مالی گسترده آن ها از جنبش ضد جنگ مورد تعقیب و مراقبت کامل عوامل «سیا» بوده اند. اسناد و مدارک منتشره شواهد دخالت سازمان «سیا» در برنامه کودتا و ترور «پاتریس لومومبا» نخست وزیر قانونی جمهوری کنگو می باشند. «لومومبا» از جمله رهبران استقلال طلب و دموکرات کنگو بود. او و یارانش سالیان متمادی علیه استعمار بلژیک برکشورشان مبارزه کرده بودند. او در سال ۱۹۶۰ پس از اعلام استقلال کنگو با شرکت در انتخاباتی گسترده به نخست وزیری کنگو برگزیده شد. او از طرف دولت آیزنهاور به عنوان یک «کمونیست خطرناک» ارزیابی شد. در فاصله کوتاهی پی از نخست وزیری اش سازمان سیا با همکاری عوامل امنیتی بلژیک با تقبل مشترک هزینه های کودتا در ۱۴ ماه سپتامبر ۱۹۶۰ برنامه کودتا علیه او انجام شد. او از مقامش عزل و در ۲۷ ماه دسامبر همان سال دستگیر و در زندان پس از تحمل شکنجه کشته شد. سازمان «سیا» دلیل کشته شدن او را «ابتلا به تب افریقائی» در زندان اعلام کرد.

اسناد منتشره همچنین گویای انجام برنامه کودتا از طرف سیا علیه دیکتاتور «سیا» ساخته «رافائل تروخیلو» رئیس جمهور جمهوری دومینکن می باشد. «رافائل تروخیلو» لمپنی بود که پس از طی مراحل مختلف با حمایت های سیاسی همه جانبه «سیا» در سال ۱۹۳۰ از طریق کودتا علیه «هوراسیو واسکدوز» درکشور دومینکن قدرت را اختیار گرفت. در سال ۱۹۳۷ حدود ۲۷۰۰۰ تن از کارگران سیاه پوست شاغل در بخش شکر کشور را کشتار کرد. دیکتاتوری خانوادگی بی حد و حصر او تا سال ۱۹۶۱ ادامه داشت، اما سر پیچی او از خواسته های «سیا» به منظور غارت مشترک دارائی های کشور و عوامل متعدد دیگری منجر به سوء قصد او از طرف «سیا» شد. او در مراسم رسمی و در انظار عمومی صورت خود را با پودر سفید می کرد تا سیاه پوست بودنش در زیرپودر و آرایش مخفی بماند!

از جمله اسنادمهم منتشره دیگر مدارک برنامه تحقیقاتی سازمان «سیا» جهت تولید و آزمایش «داروهای روان گردان» می باشد. «سیدنی گوت لیب» شیمیدان سازمان سیا در سال ۱۹۵۳ برنامه تحقیقاتی «کنترل خود آگاهی شخص» را به عنوان یکی از اهداف سازمان سیا آغاز

کرد. در این برنامه تحقیقاتی افراد زیادی بی اطلاع از کم و کیف موضوع تحت آزمایش های «تغییر خود آگاهی» (شستشوی مغزی) قرار می گرفتند. گزارش منتشره در هفته نامه عصر ما ارگان حزب کمونیست آلمان از آزمایش های گسترده ای در این رابطه در بین سربازان و حتی در نواحی معینی از یک شهرهای آمریکا حکایت دارد. در این آزمایش ها از جمله از ال. اس. دی نیز استفاده می شده است.

«داوید. م. بارت» سیاست شناس عضو هیئت علمی «دانشگاه ویلا نوآ» در مصاحبه ای در همین رابطه به «نیویورک تایمز» گفت: سازمان «سیا» سال های ۱۹۵۰ - ۱۹۷۰ با سازمان «سیا» سال ۲۰۰۱ هیچ فرقی ندارد. ما البته نمی دانیم که «سیا» امروزه چکار می کند، اما به عقیده من اوضاع نشان می دهد که «سیا» جزا اشتغال به همان اعمال در گذشته اشتغال دیگری ندارد.

اطلاعات منتشره در رسانه های همگانی آلمان و اروپاموارد مشابه عملیات های گذشته را اکنون نیز نشان می دهد. به عبارت دیگر سازمان سیا همچنان به انجام عملیات مشابه و حتی در سطحی بالاتر از عملیات گذشته ادامه می دهد. بطور مثال رسانه های همگانی در آلمان به دو مورد ربودن افراد تبعه آلمان اشاره دارند. البته با توجه به اینکه این گونه تحقیقات رسانه ای تاکنون به دلایلی نتوانسته اند از حد گزارش های رسانه ای پا فراتر بگذارد. مورد اول مربوط می شود به فرد بنام «خلید المصری» که توسط سازمان سیا به دلیل مشکوک بودن خود و دوستان عربش به همکاری با القاعده و طالبان ربوده شده و در پایگاه های مخفی سیا در کشور های شرق اروپا و نیز در افغانستان شکنجه شده و سپس در آلمان به حال خود رها شده است، این شخص پس از رهایی دچار بیماری روحی شده و حدود دو ماه قبل به دلیل اغتشاشات روحی بخشی از بازار عمده فروشی های شهر برلین را به آتش کشید. مورد دوم مردی با نام «مراد کورناز» می باشد، که نیمه آلمانی و نیمه ترک است. او پس از ربوده شدن و خارج کردنش از آلمان در محل های نامشخصی از جمله در زندان گوانتاناموبه مدت ۴ سال نگهداری و شکنجه شده است. او اکنون پس از رهایی کوشش دارد تا از طریق قانونی از مسئولین این وقایع شکایت کند. «مراد کورناز» به خاطرات ایام بازداشت خود را منتشر کرده است. مطالب منتشره در نشریات آلمانی نشان دهنده این است که در زمان نخست وزیری «گرهارد شرودر» از حزب سوسیال دموکرات آلمان، از فرودگاه های آلمان پروازهایی انجام گرفته است که برنامه این پرواز ها در دفاتر و کامپیوترهای مربوطه ثبت نشده است.

از جمله پایگاه های مخفی برای بازجویی افراد ربوده شده، در اروپا پایگاه های بی نام و نشان مستقر در کشور های لهستان، بلغارستان ذکر شده است.

یکی از نشریات آلمانی می نویسد: در این رابطه سکوتی سنگین محافل سیاسی آلمان را فراگرفته است.

(این مقاله با استفاده از منابع رسانه های همگانی آلمان تنظیم شده است)